

اینکه مشکل گذشته را بررسی و ریشه‌یابی کنند.

وضعیت دولت جدید و مجلس جدید در این زمینه متفاوت است. وقتی دولت جدیدی روی کار می‌آید یا افراد جدیدی به مجلس راه می‌یابند، ممکن است جهت‌گیری عمومی مجلس با مجلس قبل و نیز برنامه‌ها و سیاست‌های دولت جدید با دولت قبل متفاوت باشد. امروز شاهدیم که جهت‌گیری عمومی مجلس با مجلس دهم هم متفاوت است و مجلس دهم هم با مجلس قبل خود تفاوت داشت. در این صورت طبیعی است که این مجالس متناسب با جهت‌گیری‌های عمومی خود دنبال جهت‌گیری‌های جدیدی در اداره کشور و برای دستگاه‌های اجرایی و قوه قضائیه باشند. این حق طبیعی مجلس است. این مسأله صرفاً از این منظر نیست که مثلاً من به عنوان یک نماینده، بخواهم ابراز کنم که چیزی بلد هستم، یا بخواهم حرف جدیدی بزنم و کار جدیدی انجام دهم، بلکه ممکن است بسیاری از سیاست‌گذاری‌های قبلی را قبول نداشته باشم، به عنوان مثال، یک مجلس سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی را تصویب کرده است. مجلس جدید ممکن است ارزیابی خاصی از عملکرد این قانون داشته و به این نتیجه برسد که این نوع عملکرد موفق نبوده است. در این شرایط طبیعی است و حق دارد که به مسئولیت خود در قبال مردم و جامعه عمل کند. البته وقتی نماینده‌های جدید وارد مجلس می‌شوند، با ورود به فراکسیون‌های مختلف، جهت‌گیری‌های فراکسیونی پیدا می‌کنند و متناسب با این تعلقات سیاسی به تهیه طرح می‌پردازند. دولت‌ها هم چنین وضعیتی دارند. البته دولت‌ها اساساً بایک برنامه می‌آیند و به عنوان یک تیم در مقابل مردم بابت وعده‌های انتخاباتی متعهدند و باید در جهت تحقق وعده‌های خود برنامه‌ریزی و عمل کنند.

■ متوجه صحبت‌های شما هستم. اما در این میان، یک اصل هم وجود دارد مبنی بر اینکه نظام کارشناسی کشور ثابت است. به این معنی که مرکز پژوهش‌های مجلس به عنوان پشتوانه کارشناسی مجلس، یا سازمان برنامه و بودجه و سازمان اداری و استخدامی به عنوان نظام کارشناسی دولت، مجموعه‌های ثابتی هستند و اگر قرار است تحول جدیدی ایجاد شود، افراد جدید در مجلس یا دولت، باید با ارزیابی و بررسی نظرات این کارشناسان اقدامات خود را دنبال کنند.

اولاً، مقایسه‌های شما دقیق نیست. هیچ‌گاه از نظر نمایندگان، مرکز پژوهش‌های مجلس بدنه کارشناسی مجلس نبوده است، بلکه صرفاً نظرات کارشناسی خود را درباره لوایح یا طرح‌ها ارائه می‌کند. به عبارت دیگر، خارج از جریان کارشناسی، طرحی از سوی نمایندگان آماده و به مجلس تقدیم می‌شد یا وقتی دولت لوایح خود را به مجلس تقدیم می‌کند، مرکز پژوهش‌ها وارد شده و اظهار نظر می‌کند. این گونه نبوده و نیست که مرکز پژوهش‌ها به عنوان مرکز کارشناسی مجلس برای نمایندگان طرح تهیه کند. حتی زمانی که خود من در مجلس بودم، مرکز پژوهش‌ها چنین کاری انجام نمی‌داد، اما اظهار نظر کارشناسی می‌کرد. اینکه این اظهار نظر چقدر در مجلس مقبولیت دارد، بحث دیگری است. بویژه اینکه باید توجه داشت که اختیارات نمایندگان در تصویب قوانین و قانونگذاری قابل تفویض نیست که بخواهند تهیه طرح‌ها یا حتی بخش مربوط به اظهار نظر کارشناسی خود را به مرکز پژوهش‌ها تفویض کنند. بنابراین عملاً طرح‌ها یا لوایح طی فرآیند دیگری در مجلس بررسی می‌شوند. از سوی دیگر وقتی هم که دولت‌ها سر کار می‌آیند یا اساساً وقتی کسی نامزد

ریاست جمهوری می‌شود، پیش از آنکه مدیریتی بر بدنه کارشناسی دولت داشته باشد، بایک گروه خاص از نیروهای متخصص که اکثر آنها هم دارای سوابق کارشناسی و مدیریت در کشور هستند کار می‌کند و مطابق نظرات این گروه به مردم برنامه‌ای ارائه می‌دهد. این برنامه لزوماً از بدنه کارشناسی دولت گرفته نمی‌شود، زیرا بدنه کارشناسی دولت، برای دولت مستقر است و به دولت مستقر خدمات کارشناسی ارائه می‌دهد. ممکن است گروه کارشناسی نامزد انتخاباتی از گزارش‌های موجود این کارشناسان یا نتایج بررسی‌های آنان نیز استفاده کنند، اما برنامه‌های نامزدها در نهایت از طریق تیم‌ها و نیروهای خودشان تدوین می‌شود. مطابق این فرآیند، وقتی رئیس جمهوری انتخاب می‌شود و کار خود را آغاز می‌کند، آن هم رئیس جمهوری که برنامه‌ای به مردم ارائه داده است، انتظار دارد بدنه کارشناسی دولت برای عملیاتی کردن این برنامه اقدام کرده و راه حل نشان دهد. در برخی موارد عملیاتی کردن این برنامه، نیازمند تغییر در قوانین و برخی دیگر نیازمند اصلاح سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های دولت است. نحوه اداره امور در کشور ما اینگونه نیست که گفته شود بدنه کارشناسی در دولت، اعم از سازمان برنامه و بودجه یا سازمان اداری

به همین دلیل، از سال‌های اولیه اجرای قانون ترمیم فصل دهم آن در دستور کار دولت و مجلس قرار گرفت. البته دولت هم اختیاراتی داشت تا براساس آن برخی فوق العاده پرداخت‌ها را برقرار کند یا افزایش دهد که دولت بخشی از این فوق العاده‌ها را برقرار نکرده بود مثل افزایش امتیازات شغلی تا میزان مشخص یا برقراری فوق العاده ویژه برای مشاغل خاص. همچنین در ماده ۵۰ قانون برنامه پنجم توسعه به دولت اختیار داده شد امتیازات و فوق العاده‌های فصل دهم را تا ۵۰ درصد افزایش دهد تا بتواند مشکلی که در پایین بودن سطح حقوق و مزایای بعضی دستگاه‌ها وجود داشت را رفع کند. در دولت دهم در سال ۱۳۹۰ این تصمیم برای دو یا سه دستگاه محدود عملیاتی شد. در سال‌های ۹۰ و ۹۱ دولت وقت تصویب کرد این افزایش ۵۰ درصدی شامل کارکنان قوه قضائیه، نهاد ریاست جمهوری و چند دستگاه کوچک دیگر شود، اما بقیه کارکنان دولت از این ۵۰ درصد افزایش بهره‌مند نشدند. با روی کار آمدن دولت یازدهم ابتداء در سال ۱۳۹۳ با استفاده از اختیاراتی که دولت در زمینه افزایش امتیازات شغلی برای کارکنان خود داشت، از این امکان و اختیار استفاده کرد. زیرا تا پیش از این، از همه ظرفیت‌های قانون برای

۶۰-۷۰ شورای پایین دستی هم هست که در قوانین مختلف تعریف و ایجاد شده‌اند. بعضی از این شوراها در طول سال، شاید یک بار هم جلسه تشکیل نمی‌دهند یا حداکثر دو یا سه جلسه در طول سال تشکیل نمی‌دهند. این شوراها چندان در نظام تصمیم‌گیری ما مؤثر نیستند و در مقابل، اختیارات کافی برای وزرا و رؤسای سازمان‌های ستادی وجود دارد تا رأساً تصمیمات لازم را اتخاذ کنند

افزایش این امتیازات استفاده نشده بود تا اینکه در سال ۹۳ در این زمینه افزایشی برای کارکنان دولت اعمال شد. افزایش دوم از ابتدای ۹۴ اعمال شد. به این معنی که در بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون برنامه پنجم توسعه، پیش‌بینی شده بود که دولت می‌تواند برای برخی مشاغل خاص مبالغی به عنوان «فوق العاده ویژه» برقرار و پرداخت کند. این افزایش‌ها برای اکثریت کارکنان اعمال شد. ولی در خصوص ماده ۵۰ قانون برنامه پنجم توسعه وضعیت به گونه‌ای بود که تعداد اندکی از کارکنان دولت که شاید تعدادشان به ۲۰۰ هزار نفر نمی‌رسید، از این ۵۰ درصد افزایش بهره‌مند شده بودند، اما بقیه کارکنان دولت از این افزایش بهره‌مند نشده بودند که این امر به یک مطالبه عمومی برای کارکنان تبدیل دولت شده بود. البته آن دو تصمیم اتخاذ شده در سال‌های ۹۳ و ۹۴ باعث شد تا دریافتی کارکنان دولت به میزان قابل قبولی ترمیم شود. ضمن اینکه در کنار این موارد، هر سال دولت انجام می‌شد. در این میان، همکاران ما در سازمان برنامه و بودجه، همواره نگران این بودند که اعمال ۵۰ درصد افزایش حقوق، بار مالی زیادی را بر بودجه دولت تحمیل کند به نحوی که امکان تأمین آن فراهم نباشد. اما با شرایطی که پس از تحریم‌های پیش آمد و با افزایش نرخ تورم و هزینه‌های کارکنان دولت و اینکه دولت دیگر نمی‌توانست صرفاً با افزایش ضریب حقوق براساس تورم، کاهش قدرت خرید کارکنان خود را جبران کند،

و استخدامی یا وزارتخانه‌ها جهت‌گیری‌های اجرایی را رقم بزنند یا دولت‌ها صرفاً ملزم به عمل بر مبنای نظرات کارشناسان موجود بدنه دولت باشند. بحث ما این نیست که چه چیزی خوب یا بد است، بحث این است که در کشور ما فرآیندها به این صورت است که وقتی مدیریت جدید در دولت مستقر می‌شود، این مدیریت متناسب با سیاست‌های اجرایی دولت جدید مطالباتی را مطرح می‌کند و بدنه کارشناسی باید به آن مطالبات پاسخ دهد و راهکار اجرای آن برنامه‌ها را ارائه دهد.

■ بتازگی اتفاق مهمی در کشور رخ داد و آن، افزایش حقوق کارکنان دولت و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان بود که این آخری، یک نیاز با مطالبه ۱۴ ساله بود که در این دولت محقق شد. چه فرآیندی طی شد تا سرانجام به این تصمیم و اجرای آن رسید؟

درباره حقوق و مزایای کارکنان دولت که مورد سؤال شما است، ابتدا باید اشاره کنم که قانون مدیریت خدمات کشوری از ابتدای سال ۸۸ اجرایی شد. با اجرای این قانون در سال ۸۸ مشخص شد که برخلاف تصور اولیه مبنی بر اینکه این قانون باعث افزایش حقوق کارکنان خواهد شد، اکثر کارکنان دولت با اجرای این قانون مشمول تفاوت تطبیق شدند، یعنی دریافتی آنان از دریافتی قبل کمتر شد و به این ترتیب، مابه‌التفاوت آن به عنوان تفاوت تطبیق پیش‌بینی شد تا این نقیصه جبران شود.